افزایش نرخ بهره یا سود بانکی و پرسشهای بدون پاسخ

امینی، امیر هوشنگ

جسته گریخته شنیده می‏شود که برخی دست‏اندرکاران‏ امور اقتصادی کشور-و این بار در هر دو بخش،عمومی‏ و خصوصی!-حتی برخی مسئولین پولی-مالی کشور، تنگنائی را که گفته می‏شود اخیرا در زمینه منابع در اختیار بانکها برای اعطای اعتبار به وجود آمده،دستاویزی برای‏ توجیه افزایش نرخ بهره بانکی و استدلال یکسان‏سازی‏ بهره پول در بانک و بازار قرار داده،آنرا ناشی از هجوم وام‏ خواهان به بانکها دانسته،بر این باورند که این هجوم نیز خود ناشی از تفاوت نرخ سود یا بهره بانکی در مقایسه‏ با نرخ سود پول در بازار است.ازاین‏رو تک نرخی کردن سود پول در بازار و بانک را پیشنهاد و قویا توصیه می‏کنند که نرخ‏ سود سپرده‏گذاری و به طور کلی سود بانکی بایستی دست‏ کم به میزان سود پول در بازار و کمی بیش از نرخ تورم‏ افزایش داده شود.

نکته دیگری را که پیشنهادکنندگان این نظر عنوان‏ می‏کنند این است که تعیین سقف برای اعطای اعتبار به‏ واحدهای تولیدی و یا سایر بخشهای اقتصادی نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد،بلکه ثمری جز ایجاد مشکل‏ برای واحدهای تولیدی در برنخواهد داشت-که البته‏ استدلالی سنجیده است-و لذا تنها راه مقابله با هجوم‏ وام خواهان به بانکها،تامین منابع اعطای اعتبار و کاهش‏ ارزش قدرت خرید پول سپرده‏گذاران را در افزایش نرخ سود بانکی یا به تعبیر خودشان همانگونه که اشاره شد تک‏ نرخی کردن سود پول،آنهم در حد نرخ سود رایج در بازار و یا نرخ تورم دانسته،جابه‏جا و به مناسبتهای متفاوت از آن‏ دفاع می‏کنند،غافل از آن‏که تک نرخی کردن سود پول‏ در شرایط کنونی اقتصاد کشور آنهم با افزایش نرخ بهره یا سود بانکی به دلائل بسیار،مطلقا غیر ممکن است.

بهر حال تحلیل پیامدهای ناشی از افزایش آشکار و پنهان‏ نرخ بهره بانکی چندی پیش در مقاله‏ای تحلیل چاپ‏ و نشر گردید1و پیامدهای مورد انتظار که حاصل‏"پیش‏ فروش سکه آزادی‏"،توزیع اوراق قرضه‏"طرح نواب‏" با قیمت و بهره‏ای بالاتر از نرخ جاری بهره و مورد تضمین‏ بانک ملی بود،به دنبال آن افزایش سود سپرده‏های بانکی‏ را همه شاهد و ناظر بودیم و هستیم.اما اکنون بی‏آنکه‏ بار دیگر به تحلیل موضوع که واقعیت آن اگر نه بر تمامی‏ بلکه بیشتر اقتصاددانان آشکارتر از خورشید است‏ بپردازیم،با آگاهی به این معنا که برخی اقتصاددانان کشور در داخل و خارج،به ویژه استادان مسلمی که در خارج‏ از کشور به کار تحقق یا تعلیم اشتغال دارند،بی‏توجه به‏ واقعیات اقتصادی جاری در ایران و تنها با دلسوزی برای‏ حفظ قدرت خرید پول سپرده‏گذاران،افزایش نرخ سود بانکی سپرده‏گذاران را توصیه می‏کنند،پرسشهائی برای‏ بیشتر مردم کوچه و بازار و برخی دست‏اندرکاران تولید کالا و خدمات مطرح شده که تاکنون پاسخ یا توضیح قانع‏ کننده‏ای درباره آنها ارائه نشده است.پرسش‏هائی که به‏ نظر می‏رسد پیش از هر اقدامی در خصوص افزایش نرخ‏ سود بانکی بایستی به گونه‏ای منجز و قانع کننده به‏ آنها پاسخ داد.ازاین‏رو ضرورت ایجاب می‏کند برخی از این‏ پرسشها را که از اهمیت بیشتری برخوردارند،فهرست‏وار در زیر عنوان کنیم،هر چند در پاسخ به این پرسشها کم‏ یا بیش ملاحظه می‏شود که برخی از مدافعان و پیروان‏ افزایش نرخ بهره بانکی به گونه‏ای عالمانه،عنوان‏ می‏کنند،بهتر است کمی تئوریک‏تر با مسأله برخورد شود، بی‏آنکه بگویند این برخورد تئوریک‏تر کدامین است‏ و منظور کدام تئوری است؟بهرحال پرسشها عبارتند از این‏ که:

1-آیا پیروان و مدافعان افزایش بهره یا سود بانکی‏ یا تک نرخی کردن نرخ سود پول در بانک و بازار بر این باورند که تفاوتی میان وامهای سرمایه‏گزاری یا تولیدی بلندمدت‏ بانکها با وامهای کوتاه‏مدت مورد معامله در بازار با نرخهای،گاهی تا 50 درصد،که بیشتر مورد استفاده‏ محتکران،سفته‏بازان و در پاره‏ای موارد نیازمندان و درگیران‏ مسائل و مشکلات مالی است وجود ندارد و هر دو از یک‏ ویژگی برخوردارند.

2-آیا مدافعان مورد اشاره،پاسخی برای این پرسش‏ دارند که این هزینه بالا و مورد نظر آنها از کدام منبع تامین‏ خواهد شد و به طور کلی در نهایت چه قشر یا گروهی ملزم به‏ پرداخت آن خواهند بود؟هزینه‏ای که در نهایت موجب‏ افزایش قیمتها و به تبع آن کمک به افزایش نرخ تورم‏ خانماسوز خواهد شد؟

3-آیا پیشنهاددهندگان افزایش نرخ بهره بانکی یا تک‏ نرخی کردن سود پول در کشور واقف به این واقعیت نیستند که سود یا بهره بخشی از هزینه تولید است و لذا افزایش نرخ‏ بهره،آنهم در کشوری که سهم دستمزد در هزینه بهره‏وری‏ در مقایسه با کلیه کشورهای جهان اعم از پیشرفته صنعتی‏ و یا در حال پیشرفت،اگر نه در همه‏ی زمینه‏ها،اما در بیشتر زمینه‏های تولیدی بالاتر است،کدامین نقش را در قیمت‏ تمام شده کالا خواهد داشت؟

4-آیا در جائی که دولت توسعه صادرات فرآورده‏های‏ غیر نفتی را رأس برنامه‏های اقتصادی خود قرار داده‏ و جز این نیز راهی برای رشد و توسعه اقتصادی کشور وجود ندارد،افزایش نرخ سود بانکی،جز نوعی لطیفه‏گوئی تعبیر دیگری دارد؟2

5-آیا تصور این است که در بازتاب افزایش نرخ سود پول‏ یا بهره همان بازتابی را در اقتصاد ملی ما دارد که‏ در مورد اقتصاد و پولهای جاری در بازارهای بین المللی‏ سرمایه مورد انتظار است؟که در این مورد نیز می‏توان به‏ بازی نرخ بهره/دلار تا پایان صدارت کار تروروی کار آمدن‏ رونالدریگان در ایالت متحده امریکا اشاره کرد و لذا به دور از نظریه‏پردازی‏ها تا اندازه‏ای به عملکردها و واقعیات توجه‏ داشت،واقعیاتی که بایستی اساس ارائه نظریه‏های‏ جدید باشد.

6-آیا پیروان نظریه‏ی افزایش بهره یا سود بانکی پول‏ و دلسوزی برای کاهش قدرت خرید پول سپرده‏گذاران،هرگز به این واقعیت توجه داشته‏اند که جذب سرمایه‏های‏ کوچک و سرگردان و یا پس‏انداز خرده پاها توسط بانکها برای تأمین منابع اعطای اعتبار وام‏خواهان آنهم با افزایش‏ سود سپرده‏گزاری کاری جز افزایش کاذب نقدینگی و تقاضا و به تبع آن نرخ تورم نیست؟آنهم در جامعه‏ای که نقدینگی‏ جذب شده پیش از آنکه به مصرف تولید برسد و یا از جریان‏ خارج شود،به مصرف هزینه‏های جاری دولت خواهد رسید؟

7-آیا مدافعان افزایش نرخ سود بانکی پول هرگز در این‏ اندیشه غور کرده‏اند که بهرحال افزایش نقدینگی‏ بانکها و تامین منابع کافی برای اعطای اعتبار یا سرمایه‏گذاری در نهایت منجر به تامین منابع اعطای اعتبار به محتکران و سفته‏بازان و نه تولیدکنندگان یا کارآفرینان‏ خواهد شد؟زیرا واحدهای تولیدی که توان پرداخت چنین‏ هزینه‏هائی را ندارند و لذا با مشکلات بیشتری روبه‏ رو خواهند شد و بدین سان افزایش تقاضای در بازاری را فراهم خواهند آورد که هم‏اکنون با کمبود کالا مواجه است‏ و لذا به همان میزان نرخ تورم افزایش خواهد یافت؟ واقعیتی که به کاهش ارزش برابری واقعی یا قدرت‏ خرید پول ملی منجر خواهد شد.

8-آیا هرگز به این واقعیت توجه شده است که با افزایش‏ نرخ سود بانکی به هیچ وجه امکان تک نرخی شدن سود پول در بانک و بازار فراهم نخواهد شد،آنهم در اقتصاد نیمه‏ دولتی و تا اندازه‏ای بیمار کشور که نیاز به اصلاحات‏ ساختاری دارد و به احتمال قوی با افزایش نرخ سود بانکی، نرخ سود پول در بازار نه تنها با نرخ سود بانکی همسان‏ نخواهد شد،بلکه به جهات بسیار و از جمله ناتوانی نظام‏ بانکی کشور در برقراری تعادل میان عرضه و تقاضای پول‏ به ارقام به احتمال سه رقمی افزایش خواهد یافت؟

9-آیا مدافعان نظریه افزایش نرخ سود بانکی پول توجه‏ دارند که با افزایش سود بانکی تغییری بنیانی در ابزارهای‏ سیاستهای پولی ایجاد خواهد شد.تغییری که تبعات آن در سایر بخشهای ساختار پولی کشور و از جمله نرخ برابری ارز در برابر پول ملی(ریال)آثار سرنوشت‏ساز از خود به جای‏ خواهد نهاد؟آثاری که برطرف‏سازی آن مستلزم برنامه‏ای‏ از پیش اندیشه برای رویاروئی و مقابله با خطرات ناشی‏ از آن می‏باشد؟برنامه‏ای که تهیه آن نه به این سادگیها که‏ تصور می‏رود میسر است و نه بزودی پاسخگو؟

10-آیا درباره این واقعیت که افزایش نرخ بهره بانکی‏ میل به سرمایه‏گذاری را کاهش خواهد داد و لذا مانعی‏ جدی در برابر ایجاد فرصت‏های شغلی جدید و به تبع آن‏ تولید ملی خواهد بود،آنهم در جامعه‏ای که اکنون بیش از هر زمان نیازمند ایجاد فرصت‏های شغلی جدید است، فرصتهای شغلی جدیدی که تنها از طریق سرمایه‏گذاریهای‏ جدید و تأمین مواد اولیه صنایع و سرمایه‏گذاریهای‏ زودبازده و"نیروبر"امکان‏پذیر است؟

11-آیا با توجه به اینکه افزایش نرخ بهره بانکی میل به‏ سرمایه‏گذاری و تولید را کاهش خواهد داد،و لذا موجب‏ کاهش تولید ملی و به تبع آن کاهش درآمدهای مالیاتی و کاهش سرعت گردش پول و...در جامعه خواهد شد،پیروان‏ نظریه افزایش نرخ سود بانکی پول در این باره به‏ چاره‏اندیشی و پاسخگوئی نشسته‏اند؟

12-آیا مدافعان نظریه مورد اشاره پذیرای این واقعیت‏ هستند که افزایش نرخ سود بانکی پول،آنهم تنها و تنها به‏ منظور جذب نقدینگی توسط بانکها،در کشوری که نظام‏ بانکی آن نظامی متمرکز و دولتی است و لذا فاقد توان‏ و پویائی لازم برای انجام فعالیتهای سودآور،با زیان‏دهی‏ سرسام‏آور روبه‏رو خواهد شد.زیانی که در هر صورت‏ تحمیل بر بودجه عمومی کشور خواهد شد؟

13-آیا پیروان نظریه مورد اشاره توجه دارند که به تجربه‏ ثابت شده است در کشورهائی که فاقد نظام پولی بانکی‏ پیشرفته می‏باشند و نرخ تورم سالانه آنها دو رقمی است، هر گونه افزایشی در نرخ سود بانکی پول نه تنها موجبات‏ جلب سرمایه‏های خارجی را که در بیشتر بخشهای‏ اقتصادی کشور مورد نیاز است فراهم نخواهد ساخت،بلکه‏ به گونه‏ای زمینه را برای فرار سرمایه‏های کلان فراهم‏ خواهد ساخت؟سرمایه‏هائی که به لحاظ کاهش بیش از اندازه ارزش واقعی پول ملی،عملا جذب بازارهای پولی‏ بین المللی و نظامهای پولی با ثبات خواهند شد؟

14-آیا آنهائی که افزایش نرخ سود بانکی پول را به‏ هر دلیل،پیشنهاد و توصیه می‏کنند،توجه دارند که افزایش‏ نرخ سود پول،یا بهره بانکی،بهرصورت که عنوان و عمل‏ شود،با تاثیرگذاری بر هزینه تولید،نرخ انواع کالا را به گونه‏ای‏ سرسام‏آور افزایش خواهد داد و موجب تورم لجام گسیخته‏ غیر قابل کنترل خواهد شد.تورمی که بی‏تردید خانمانسوز و جبران‏ناپذیر خواهد بود.تورمی که به گفته‏"میلتون‏ فریدمن‏" (MILTON FRIEDMAN) اقتصاددان شهیر و معاصر آمریکائی‏"بیماری خطرناک و کشنده‏ایست که‏ اگر معالجه نشود می‏تواند جامعه‏ای را نابود سازد"و به زعم‏ "لودویک ارهارد"وزیر اقتصاد،صدر اعظم و معمار معجزه‏ اقتصادی آلمان فدرال،ایجاد آن نوعی‏"جنایت‏"محسوب‏ می‏شود؟و البته پرسشهای بی‏شمار دیگری که اکنون‏ از بیان آنها درمی‏گذریم.

15-در نهایت اینکه آیا این نظریه‏پردازان واقف به این‏ معنا هستند که با امضاء سند افزایش نرخ بهره بانکی که‏ اشاره شد ممکن است به دلایل متفاوت مورد تائید برخی‏ اقتصاددانهای ایرانی داخل و خارج از کشور نیز باشد،حتی‏ با تائید آن،سند نابودی نظام بانکی و بانکداری و در نهایت‏ اقتصاد کشور را امضاء یا تائید کرده‏اند؟کاری که جبران آن نه‏ به این سادگیها که تصور می‏شود مقدور است و نه به زودی‏ میسر و لذا اقدامی نابخشودنی خواهد بود؟بگذریم.

به‏هرحال به نظر می‏رسد مسئولین امور،به ویژه مسئولین‏ امور اقتصادی کشور،نه تنها واقف به این مراتب می‏باشند، بلکه در مورد سایر تبعات ناشی از افزایش نرخ بهره بانکی‏ نیز وقوف کامل دارند.بنابراین به نظر می‏رسد به چنین‏ کاری مبادرت نخواهند ورزید.کاری که در نهایت جز به‏ درخواست،پرداخت تاوان عجز مدیریت امور پولی-مالی‏ کشور از ملت به چیز دیگری قابل تعبیر نیست.لذا روشن‏ است که مسئولین امور بایستی دریافته باشند که دیگر دوران سعی و خطابه پایان رسیده است و برای رویارویی با مسائل و مشکلات نمی‏توان به آزمایش دست یازدید و در پاسخ به ملت مدعی شد که مقصر مدل(الگو)بوده است، یا این‏که مدل جواب نداده و کسی هم مقصر نبوده است، بلکه باید به دنبال یافتن راهی باشند که پیش از همه منجر به تثبیت قدرت خرید پول ملی،کاهش نرخ تورم،اصلاح‏ ساختار اقتصاد بیمار کشور و...شود.راهی که جز با تجدید اصولی در نظام بانکداری کشور،کار بیشتر،مصرف‏ کمتر،احتراز از سرمایه‏گذاریهای سنگین دیربازده و پرستیژی،کاهش قیمتها،تخصیص بهینه‏ی منابع،کمک به‏ افزایش تولید واحدهای تولیدی در حد ممکن در اولولیت‏ قرار دادن تامین مواد اولیه آنها،حذف هزینه‏های زائد،به‏ ویژه هزینه‏های دولتی که درهرحال جز با سپردن کار به‏ دست کاردان و دوری جستن از بانکداری دولتی و احتراز از بکارگیری سیاستهای پولی برای تأمین کسری بودجه و یا نشان دادن آمار و ارقام کاذب و گمراه‏کننده درباره حجم‏ نقدینگی و...میسر و مقدور نخواهد بود.

زیرنویسها:

(1).ماهنامه‏"تازه‏های اقتصاد"شماره 43 سال 1374

(2).لازمهء توسعه صادرات فرآورده‏های غیر نفتی قابل‏ رقابت بودن این تولیدات با کالاهای مشابه خارجی است، زیرا قیمت تمام شدهء کالا یکی از عوامل عمده و موثر در رقابت است.بنابراین با توجه به اینکه بهره بخشی‏ از هزینه تولید را شامل می‏شود لذا هر چه بهره بالاتر- ق-باشد،بهمان اندازه قیمت تمام شده کالا بیشتر خواهد بود و هر اندازه قیمت کالا بیشتر باشد،بهمان اندازه از قدرت‏ رقابت کاسته می‏شود.نکته دیگری که جسته گریخته‏ شنیده می‏شود اینکه برخی بر این باورند که افزایش نرخ‏ بهره موجب کاهش افزایش برابری پول ملی خواهد شد و در اینصورت موجب توسعه صادرات و این همان استدلال‏ ورشکسته‏ایست که ورشکستگی آن طی دهه هفتاد اعلام‏ شد،بویژه برای کشورهایی که بخش اعظم مواد اولیه‏ و واسطه‏ای مورد نیاز برای تولیدات صنعتی آنان بایستی از خارج وارد شود.

پاسخ بانک توسعهء صادرات

نماینده بانک توسعهء صادرات در جواب‏ انتقادی که نمایندهء شرکت اطلس بود از نحوهء عمل این بانک در سمینار تدوین‏ نظام صادراتی در تبریز نموده بود و اظهار داشته بود که این بانک امکانات خود را صرف آپارتمان‏سازی نماید،در همان‏ جلسه توضیح داد:

"بانک توسعهء صادرات ایران تسهیلات‏ خود را براساس ضوابطی در اختیار صادرکنندگان‏ قرار می‏دهد که از آن جمله مدارک قطعی‏ صدور کالا،اظهارنامهء خروجی کالا،پیش‏ فاکتور کالای مورد صدور و قراردادهای‏ صادراتی منعقده،وجود کارت بازرگانی‏ و کد اقتصادی،مدارک ثبتی شرکت،صورتهای‏ مالی شرکت،شناسائی محل کار شرکت را می‏توان نام برد."از اینکه پاسخ نماینده‏ بانک توسعهء صادرات همزمان با انتقاد بعمل آمده در گزارش سمینار چاپ نشده‏ بود پوزش می‏طلبیم.